

گفتار چهارم) حق دفاع و وسایل

استفاده از آن

الف) حق حضور در دادگاه و دفاع از

خود، شخصاً یا توسط وکیل

قسمت چهارم بند "۳" ماده (۱۴) میثاق و قسمت سوم بند "۳" ماده (۶) کنوانسیون اروپایی تصریح کرده اند که «متهم حق دارد در محاکمه حاضر شود و شخصاً یا توسط وکیل منتخب از خود دفاع نماید و چنان چه وکیل نداشته باشد، از حق داشتن وکیل مطلع گردد و در صورت اقتضای عدالت و عدم توانایی به صورت رایگان برای او وکیل تعیین شود.»

قسمت «د» بند "۲" ماده (۸) کنوانسیون امریکایی و قسمت "ب" بند "۱" ماده (۷) منشور آفریقایی حقوق بشر نیز چنین

تضمینی را پیش بینی کرده اند. کمیته حقوق بشر در تفسیر کلی این تضمین گفته است متهم یا وکیل او باید از حق شرکت و دفاع فعال در تمام مراحل تحقیق و رسیدگی برخوردار باشند، هم چنان که در صورت اعتقاد به غیر منصفانه بودن محاکمه از حق اعتراض به دادگاه برخوردارند. کمیسیون اروپایی حقوق بشر در دعوایی به تاریخ ۸ مارس ۱۹۷۹ علیه دولت ایتالیا موسوم به آرتیکو تضمین پیش بینی شده در قسمت سوم بند "۳" ماده (۶) کنوانسیون را از اساسی ترین شاخص های مفهوم محاکمه منصفانه تلقی کرده است. نماینده دولت ایتالیا در دعوای مزبور اصرار داشت که نقض تضمین مورد بحث منحصر به

مواردی است که متهم به واسطه عدم حضور در دادگاه یا عدم برخورداری از معاضدت وکیل متحمل زبانی شده باشد. کمیسیون با این استدلال که چنین تفسیری نه در منطوق عبارت قسمت سوم بند "۳" ماده (۶) کنوانسیون می گنجد و نه در منطق آن، مفاد مقرره مورد اشاره را متضمن یک تضمین مطلق از تضمین های دفاع شمرده. با این حال به نظر می رسد که چون فلسفه پیش بینی تضمین مورد بحث، حمایت از حقوق متهم در دعاوی جزایی است چنان چه متهم خود از استفاده از چنین تضمینی صرف نظر کند و از حضور در مراحل دادرسی امتناع ورزد، محاکمه غیابی وی ممکن باشد. به هر حال مراجع رسیدگی کننده مکلف به احضار



بهر روز جوانمرد - وکیل دادگستری
قسمت پایانی

کارخانه شماره ۶۶، خیابان یازدهم، بهمن و اسفند ۱۳۸۴

متهم اند هم چنان که موظفند او را از حق داشتن وکیل مطلع سازند و وکیل منتخب متهم را در مراحل مختلف رسیدگی بپذیرند و مدافعات او را استماع نمایند و در صورت اقتضای عدالت وعدم توانایی مالی متهم به صورت رایگان برای وی تعیین وکیل نمایند. کمیته حقوق بشر موارد زیر را نقض قسمت سوم بند "۳" ماده (۱۴) میثاق شمرده است:

۱- هنگامی که متهم از امکان دسترسی به هر نوع مشاوره حقوقی محروم بوده است؛

۲- هنگامی که فردی برخلاف میل متهم به عنوان وکیل مدافع وی انتخاب شده است؛

۳- در مواردی که امکان ارتباط با وکیل از متهم سلب شده است؛

۴- هنگامی که حق حضور متهم یا وکیل وی در مراحل مختلف رسیدگی نادیده گرفته شود.

از نظر کمیسیون امریکایی از جمله موارد نقض حقوق بنیادین بشر هنگامی است که وکلایی که مسئولیت دفاع از متهمان سیاسی را به عهده می گیرند، مورد تهدید و ارباب واقع شوند یا پروانه وکالت آنان ضبط یا لغو گردد. در موارد بدرفتاری و اهانت به وکلا، بازداشت شدن، ناپدید شدن یا کشته شدن آنان همین قضیه به طریق اولی صادق خواهد بود. کنفرانس هفتم سازمان ملل درباره پیشگیری از جرم (میلان ۱۹۸۵) ضمن تأکید بر اهمیت نقش وکیل در دعاوی جزایی، اصول اساسی آن را بر شمرده و مقرر داشته که باید امکان برخورداری از وکیل بی هیچ تبعیض و تمایز برای همه فراهم باشد. دولت ها و کانون های وکلا موظف به پیش بینی تمهیدات لازم برای اعمال چنین حقی هستند، امکان ارتباط مستمر با وکیل، امکان استعانت از وکیل

و برخورداری از کمک رایگان وکیل در موارد عدم تمکن مالی، از حقوق تغییر ناپذیر متهم محسوب می شوند؛ این گونه تدابیر و تضمین ها را امروزه قوانین آیین دادرسی کیفری بیشتر کشورها پذیرفته اند.

در بلژیک وکیل مدافع در مرحله مقدماتی وقتی پذیرفته می شود که متهم در بازداشت موقت باشد. به علاوه آن، مرحله رسیدگی باید با حضور متهم انجام شود. این روش تقلیدی از سیستم تفتیشی قدیمی است که در عین حال به سرّی بودن تحقیقات منتهی می شود. در کشورهایی که پیرو این روش هستند، دسترسی کامل و بدون محدودیت به اوراق پرونده کیفری در دادسرا وقتی امکان دارد که مرحله مقدماتی پایان یافته باشد (تقریباً مشابه ایران).

حفظ حقوق متهم با سازماندهی (ساختار) حق دفاع نیز تلاقی دارد. واضح است که تضمین حقوق متهم دسترسی آزاد او به یک یا چندین وکیل را که تابع ضوابط و مقررات حرفه ای وکالت هستند، را ایجاب می کند. مشکل از کنترلی ناشی می شود که می توان روی انتخاب آن ها (و کلا) اعمال شود. البته طرح این مشکل

از جمله موارد نقض حقوق بنیادین بشر هنگامی است که وکلایی که مسئولیت دفاع از متهمان سیاسی را به عهده می گیرند، مورد تهدید و ارباب واقع شوند یا پروانه وکالت آنان ضبط یا لغو گردد. در موارد بدرفتاری و اهانت به وکلا، بازداشت شدن، ناپدید شدن یا کشته شدن آنان همین قضیه به طریق اولی صادق خواهد بود

به خودی خود قابل تصور نیست، بلکه زمانی قابل طرح است که به علت عدم توانایی مالی متهمان (برای انتخاب وکیل) باید به کمیسیون وکلای تسخیری مراجعه نمود. به خصوص این مشکل در مقابل دادگاه بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق مطرح شد که برای جلوگیری از هزینه های زیاد وکالت، مدیر دفتر دادگاه به عنوان مسئول آیین کار از سوی کمیسیون تصمیم گرفت حق انتخاب وکیل از سوی متهم را محدود نماید و آن از طریق تهیه لیست محدودی از وکلا بود که در آن نه فقط وکلای برخی کشورها حذف شده بودند بلکه به هزینه های «مناسب» وکالت هم توجه وافر شده بود؛ تأثیر این کار بر حق دفاع متهم امری واقعی است و هنوز تعادلی در این مورد یافت نشده است. به نظر برخی، ایجاد یک کانون بین المللی وکلا ممکن است راه حل مناسبی برای این مشکل باشد. حداقل، از این طریق می توان به مشکل هزینه های عدالت بین المللی واقف شد. البته طرح مسائل مربوط به هزینه های دادرسی در مقابل شدت جنایات قابل رسیدگی کار درستی نیست اما اگر پول نباشد، خطر آفت شدید کاری وجود دارد.

در مورد داشتن وکیل در امر کیفری تمامی گزارش ها دلالت از این دارد که متهمان حداقل در جرایم مهم و نیز برای صغار بزهکار و هم چنین متهمان زندانی باید وکیل معرفی نمایند و یا برای آن ها وکیل تسخیری رایگان تعیین شود و اصولاً متهمانی که امکانات مالی نداشته باشند، حق داشتن وکیل رایگان برایشان تضمین گردد. وکیل مدافع حق حضور در تمام اقدامات تحقیقی را دارد و محدود کردن آن در هیچ گزارشی دیده نشده است ولی از ارتباط وکیل مدافع با موکل زندانی او بدون مراقبت مأموران زندان یاد نشده

همین طور گفته شده که دادگاه به عنوان یک امر ناشی از حق، موظف است متهم را از حق احضار شهود سواً- قوه مواجهه با شهود مقابل آگاه سازد. هم چنان که موظف است در صورت درخواست متهم شهودی را که در غیاب وی ادای شهادت کرده اند مجدداً فرا خوانده و در حضور متهم شهادت آنان را استماع نماید. در امر کیفری فردی که حق دفاع دارد از این حق باید در تمام مراحل رسیدگی استفاده نماید، اما این نظر در تمام نظام ها کاملاً اعمال نمی شود.

ج) اعلام حق سکوت به متهم

حق سکوت متهم تقریباً در تمام نظام های حقوقی که گزارش داده اند تضمین و پیش بینی شده است. اعتقاد بر این بوده که هیچ فردی ملزم نیست به محکومیت خود کمک نماید و در این که آیا قاضی دادگاه می تواند از سکوت مجرم نتیجه منفی در تصمیمات نهایی اتخاذ نماید، پاسخ از سوی کشورهای چون بلژیک، ترکیه، ژاپن، لوکزامبورگ، اسلونی، فرانسه، ایتالیا و پرتغال منفی بوده است. امروزه در بسیاری از کشورهای جهان نه تنها حق سکوت متهم و حق داشتن وکیل محترم شمرده شده است بلکه پلیس قضایی مکلف است پس از احضار یا جلب متهم علاوه بر استعلام هویت و اعلام صریح اتهام، حقوق مذکور را به وی اعلام نماید. به استناد یکی از آرای دیوان عالی کشور آمریکا که در سال ۱۹۷۶ صادر گردید است اعلام این حق به متهم از سوی پلیس یک تکلیف قانونی است (پلیس باید متذکر گردد که الزامی به پاسخگویی ندارد، اما اگر حرفی بزنید در صورت جلسه درج می گردد و ممکن است به عنوان دلیلی علیه شما در دادگاه مورد استفاده قرار گیرد). فی الواقع فلسفه اعلام نمودن حق سکوت و حق داشتن وکیل مدافع به متهم

استماع و ارزیابی مفاد شهادت آنان را مشروط به شروطی نمایند. آن چه از نظر این مقررات ضروری می نماید آن است که شرایط و محدودیت های ایجاد شده هم چون تسهیلات و امتیازات اعطا شده به طور یکسان نسبت به شهود طرفین دعوا اعمال گردد. افزون بر این، محاکم ملی می توانند در حین مراعات روح تضمین مورد بحث، درباره این مسأله که آیا شهود به انگیزه کشف حقیقت وارد دعوی شده اند یا خیر، تصمیم بگیرند و در صورت منفی بودن پاسخ از استماع اظهارات آنان یا استناد به چنین اظهاراتی امتناع ورزند. همین طور باید گفت که متهم نمی تواند به بهانه استیفای یک حق مطلق هر پرسشی که می خواهد مطرح کند و پاسخ آن ها را از شهود مقابل در خواست نماید. اعمال این حق تحت نظارت و کنترل دادگاه خواهد بود. دادگاه می تواند با مداخله و ارزیابی خود فقط به پرسش هایی اجازه طرح و پاسخ دهد که در کشف حقیقت مؤثر باشند. نیز باید گفت که مراعات تضمین مورد بحث مستلزم حضور متهم هنگام ادای شهادت شهود مقابل نیست؛ گرچه او در مقام دفاع حق دارد تکرار شهادت آنان را در دادگاه درخواست نماید. گفته شده که منظور از عبارت «با همان شرایط» فقط شرایط حقوقی و قانونی نیست و مراعات یکسان مقررات قانونی نسبت به شهود متهم و مدعی کافی نیست بلکه این مسأله نیز باید مورد توجه واقع شود که آیا دادگاه در اجرای وظایف قانونی و قضایی خود رفتار یا برخوردی یکسان با اطراف دعوا داشته است یا خیر؟

است، فقط بعضی کشورها آن هم در پاره ای از جرایم مثل اعمال تروریستی در آلمان و جرایم مهم علیه امنیت کشور آن هم تا ۳۰ روز پیش بینی شده و در اسرائیل ملاقات وکیل با متهم باید با حضور مأمور انجام شود.

ب) حق مواجهه با شهود مخالف و تسهیل ادای شهادت شهود

بنابر آن چه در قسمت پنجم بند "۳" ماده (۱۴) میثاق و قسمت چهارم بند "۳" ماده (۶) کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر آمده: «متهم حق دارد از شهودی که علیه وی شهادت داده اند سؤال کند یا بخواهد که از آنان سؤال شود. هم چنان که حق دارد شهودی که به نفع وی شهادت می دهند با همان شرایط و تسهیلات شهود مخالف احضار شوند و شهادتشان استماع گردد.» منطق این تضمین که در بند "۲" ماده (۸) کنوانسیون امریکایی حقوق بشر نیز مورد تصریح قرار گرفته، موازنه قدرت میان متهم و مدعی و امکان ارزیابی و ابطال مفاد شهادت شهود دادرسی یا شاکی خصوصی است ولی باید توجه داشت که مقررات مورد اشاره حاوی یا حامی یک حق مطلق برای متهم نیستند. مفاد مقررات مزبور مانع از آن نخواهد بود که قوانین و مقررات ملی احضار شهود و

این است که او بدون آگاهی از داشتن چنین حقوق ارزنده‌ای مبادرت به اظهارات ناسنجیده‌ای که امکان استفاده علیه وی در دادگاه را فراهم می‌سازد، ننماید. اهتمام به این موضوع آن چنان است که مرکز مطالعات حقوق بشر ۱۹۶۳ سازمان ملل متحد در این زمینه اظهار می‌دارد: «حق سکوت متهم موافق با اصول حقوق بشر است و بایستی به وسیله پلیس محترم شمرده شود. پلیس باید قبل از بازجویی این حق را به متهم تفهیم نماید؛ چرا که همه مردم از این حق آگاهی ندارند» هم چنین ارتباط متهم با وکیل مدافع برای دفاع هر چه بهتر از وی مورد تأکید میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد (قسمت "ب" از بند سوم ماده ۱۴).

د) بر خورداری از کمک رایگان مترجم

به دستور قسمت ششم بند "۳" ماده (۱۴) میثاق و قسمت پنجم بند "۳" ماده (۶) کنوانسیون اروپایی و قسمت اول بند "۲" ماده (۸) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر «متهمی که زبان دادگاه برای او قابل فهم نیست یا قادر به تکلم به آن زبان نیست، حق دارد از کمک رایگان یک مترجم برخوردار باشد». قسمت چهارم بند مورد بحث چنان که گذشت، برخورداری از وکالت رایگان را تحت شرایطی پذیرفته بود؛ از جمله عجز متهم از پرداخت حق الوکاله و اقتضای عدالت اما قسمت ششم چنان که پیداست، حق ترجمه رایگان را به صورت مطلق پیش بینی کرده است. بنابراین کمک رایگان مترجم بدون توجه به موقعیت مالی متهم خواهد بود. واژه رایگان را باید بر معنای متبادر و مدلول متعارف آن حمل نمود؛ یعنی معافیت مطلق، تمام و یکباره از پرداخت. معافیت مشروط، جزئی و موقت خلاف معنای ظاهر مقرر می‌شود بحث است. از سوی دیگر، باید توجه داشت که تضمین مورد

بحث فقط به ترجمه مذاکرات و پرسش و پاسخ‌های شفاهی در دادگاه مربوط نمی‌شود بلکه ترجمه تمامی اسناد، مدارک و اظهارات مربوط به محاکمه و مؤثر در دفاع را نیز در بر می‌گیرد؛ زیرا اقتضای محاکمه‌ی منصفانه چنین است. از نظر کمیسیون اروپایی حقوق بشر حق استفاده از ترجمه رایگان فقط به آن چه میان دادگاه و متهم می‌گذرد، مربوط می‌شود و شامل مذاکرات میان متهم و وکیل وی نمی‌شود. هم چنان که اظهارات و مدافعات وکیل متهم را در بر نمی‌گیرد. اما بعضی از محاکم ملی بر این باورند که حق یا تضمین مورد بحث باید به گونه‌ای تفسیر شود که مذاکرات میان یک متهم یا زندانی خارجی را با وکیل وی در بر گیرد. برخی نیز در یک تفسیر محدود حق استفاده رایگان از مترجم را صرفاً در دادگاه و در مرحله رسیدگی به معنای اخص، قابل طرح دانسته و نادیده گرفتن چنین حقی را فقط در این مرحله از مراحل رسیدگی از جهات درخواست تجدید نظر شمرده‌اند.

ه) منع اجبار به اقرار به مجرمیت یا شهادت علیه خود

مطابق قسمت هفتم بند "۳" ماده (۱۴) میثاق و قسمت هفتم بند "۲" ماده (۸) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر «نمی‌توان متهم را وادار به اقرار به مجرمیت علیه خود نمود». منع اجبار به اعتراف به مجرمیت خود پس از الغای دادگاه‌های سری انگلستان در قرن هفدهم به عنوان یکی از اصول بنیادین محاکمات جزایی مطرح شده و به اسناد و اعلامیه‌های جهانی و منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر و قوانین اساسی کشورهای مختلف راه یافته است. ماده (۶) کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر که همه جا به بازگویی مفاد مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پرداخته، در این قسمت ذکری از

تضمین مورد بحث به میان نیاورده است. به نظر می‌رسد که تدوین کنندگان متن کنوانسیون، اصول کلی تر مندرج در آن را کافی دانسته‌اند. بر عکس، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر علاوه بر تصریح به ممنوعیت اجبار به اقرار در بند "۳" ماده (۸) اشعار داشته که اعتراف متهم فقط در صورتی ارزشمند و قابل استناد است که به دور از هر گونه تهدید یا اجبار و اضطرار به عمل آمده باشد. به هر حال، اجبار به اقرار یا اعتراف به مجرمیت آن است که متهم تحت تأثیر تحریک، تهدید، وعده‌های امیدوار کننده، فشارهای روانی یا شکنجه و آزار، اتهام انتسابی را تصدیق و خود را عامل ارتکاب جرم مورد ادعا معرفی نماید. اجبار به شهادت علیه خود نیز هنگامی است که متهم تحت تأثیر عوامل مذکور وادار به ارائه دلیل و ادای اظهارات موافق با ادعای دادسرا یا شاکی خصوصی شود. در هر حال، از نظر کمیته حقوق بشر سازمان ملل، اجبار متهم به امضای اظهاراتی که مبین مجرمیت اوست، نقض آشکار مفاد قسمت هفتم بند "۳" ماده (۱۴) میثاق محسوب می‌گردد. کمیته مزبور بر این باور است که دادگاه رسیدگی کننده به اتهام باید هر نوع ادعای مربوط به نقض حقوق متهم در مراحل مختلف تعقیب و تحقیق از جمله ادعای اجبار به اقرار را نیز مورد توجه و رسیدگی قرار دهد. در ایالات متحده آمریکا گفته شده که تحقیق نامتعارف از متهم و ضبط اسناد و مدارک او بدون رعایت مقررات مربوطه نقض تضمین مورد بحث به شمار می‌رود و دلایل به دست آمده از این راه به هیچ وجه نمی‌توانند مورد استناد دادگاه واقع شوند.

ز) جدایی آیین دادرسی اطفال از افراد بزرگسالان

بند "۴" ماده (۱۴) میثاق مقرر داشته که: «رسیدگی به اتهامات اطفال باید با

ملاحظه سن و در شرایطی مطلوب و متناسب با رشد شخصیت و هماهنگ با ضرورت اصلاح و بازپروری آنان به عمل آید.» ظاهر این تضمین یا حق فقط در میثاق مربوط به حقوق مدنی و سیاسی پیش بینی شده و سایر اسناد و اعلامیه های بین المللی یا منطقه ای ذکری از آن به میان نیآورده اند. به هر حال، با توجه به ویژگی های مربوط به شخصیت اطفال و تأثیر نامطلوب رفتارهای نسنجیده و تصمیمات غیر علمی در شخصیت و تربیت آنان، تفکیک آیین رسیدگی به اتهام آنان از مقررات عمومی دادرسی های جزایی، ضرورت تمام دارد. منطق دادرسان محاکم جزایی عمومی که ذهن و زبانشان به تحمیل مجازات و تنبیه مجرمان خو گرفته، با اهداف مورد نظر در رسیدگی به اتهام کودکان و تدابیر تأمینی و اقدامات تربیتی که به جای تنبیه و تحمیل مجازات در مورد آنان اعمال می گردد، هماهنگ نخواهد بود. دادگاه رسیدگی کننده به اتهام اطفال بیش و پیش از آن که نیازمند اطلاعات حقوقی و قانونی باشد، نیازمند دانش های روان شناختی و تجربه های تربیتی است. آن چه از لحظه توجه اتهام به اطفال تا زمان صدور حکم نهایی و اجرای ضمانت اجراهای قانونی درباره آنان اعمال می گردد، همه باید در راستای ضرورت اصلاح، تربیت، درمان و بازپروری آنان باشد. حمایت قانونی و قضایی ویژه و تدابیر و اقدامات توأم با حزم و حکمت و احتیاط درباره کودکان فقط حکم منطق سلیم یا توصیه دانش های امروزی نیست، بلکه حقی از حقوق اساسی آنان نیز به شمار می رود؛ حقی که نادیده گرفتن آن خواه به تعمد، خواه به تساهل ظاهر نقض یکی از تعهدات بین المللی دولت ها به حساب می آید، ولسی در واقع باید آن را تقویت عوامل آسیب های اجتماعی و کمک به

امروزه در بسیاری از کشورهای جهان نه تنها مق سکت متهم و مق داشتن وکیل ممتزم شمرده شده است بلکه پلیس قضایی مکلف است پس از امضای یا جلب متهم علاوه بر استعمال هویت و اعلام صریح اتهام، مقوق مذکور را به وی اعلام نماید.

تکوین شخصیت های انتقام جوی جامعه ستیز به شمار آورد.

گفتار پنجم) سازمان ملل و ضمانت های عملکرد و کلا

هشتمین کنگره سازمان ملل در ۱۹۹۰ قطعنامه ای تحت عنوان اصول اساسی راجع به نقش و کلا صادر نموده است (مصوب هشتمین کنگره سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان، هاوانا، کوبا ۲۷ اوت تا سپتامبر ۱۹۹۰). در مقدمه این قطع نامه آمده است:

نظر به این که در منشور ملل متحد، ملل جهان اراده شان را مینی بر ایجاد شرایطی که به موجب آن عدالت حفظ شود، تصدیق می کنند و دستیابی به همکاری بین المللی در ترویج و ترغیب احترام به حقوق بشر و آزادی های بنیادین را بدون تمایز از حیث نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب به عنوان یکی از اهدافشان اعلام می کنند، نظر به این که اعلامیه جهانی حقوق بشر اصول تساوی در برابر قانون، اصل برائت، حق دادرسی علنی و عادلانه توسط یک محکمه ی بی طرف و مستقل و همه مقتضیات لازم برای دفاع از هر کسی که متهم به یک جرم کیفری است محترم

می شمارد؛ نظر به این که میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی مضافاً حق محاکمه بدون تأخیر ناموجه و حق دادرسی علنی و عادلانه توسط یک محکمه صالح مستقل و بی طرف تأسیس شده به وسیله قانون را اعلام می دارد؛ نظر به این که میثاق بین المللی حقوق فرهنگی اجتماعی و اقتصادی تعهد دولت ها به موجب منشور برای ترویج احترام جهانی و توجه به و حقوق بشر و آزادی ها را یاد آوری می کند، نظر به این که اصول حمایت از همه اشخاص تحت هر شکل از توقیف یا حبس مقرر می دارد که فرد بازداشت شده حق دریافت کمک و تماس و مشاوره با مشاور حقوقی را دارد، نظر به این که قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان به ویژه توصیه می کنند که معاضدت حقوقی و تماس محرمانه با وکیل نشده اند، تضمین شود. لذا دولت ها باید تضمین کنند که وکلا:

- ۱- قادرند وظایف حرفه ای شان را بدون ترس، مانع، اذیت را نفوذ ناروا انجام دهند؛
- ۲- قادرند مسافرت کنند و با موکلان خود آزادانه هم در کشور خودشان و هم در خارج مشاوره کنند؛
- ۳- به خاطر هر گونه اقدام بر طبق وظایف حرفه ای معیارها و اصول اخلاقی شناخته شده مورد تهدید برای پیگرد یا ضمانت اجراهای اداری اقتصادی و غیره نخواهند بود؛
- ۴- وقتی امنیت و کلا در نتیجه انجام وظایفشان مورد تهدید قرار می گیرد آن ها باید به قدر کفایت تحت حمایت مقامات قرار گیرند؛
- ۵- وکلا نباید به خاطر انجام وظایفشان به نام موکلانشان یا پرونده های موکلانشان مورد شناسایی

قرار گیرند.

۶- هیچ دادگاه یا مقام اداری که حق مشاوره در مقابل آن شناخته شده است نباید از شناسایی حق یک وکیل از حضور نزد آن از جانب موکلش امتناع کند مگر آن که وکیل بر طبق قانون و رویه ملی و مطابق با این اصول صلاحیت نداشته باشد؛

۷- پیوستن باید از مصونیت کیفری و مدنی برای اظهاراتی که با حسن نیت در لوایح کتبی یا دفاعیات شفاهی یا در حضور حرفه ای نزد دادگاه محکمه یا دیگر مقام اداری یا قانونی به عمل می آورند، بر خوردار باشند.

۸- وظیفه مقامات صلاحیتدار است تا دسترسی و کلا به اطلاعات پرونده ها و اسناد متناسب در اختیار یا کنترلشان را در وقت کافی تضمین کنند تا وکلا قادر باشند کمک حقوقی مؤثر به موکلانشان ارائه کنند؛ چنین دسترسی باید در اولین زمان مناسب تأمین شود؛

۹- دولت ها باید مسأله را شناسایی کنند و محترم بشمارند که کلیه ارتباطات و مشاوره های بین وکلا و موکلینشان در چارچوب روابط شغلی محرمانه می باشد؛

۱۰- وکلا همانند دیگر افراد حق آزادی بیان عقیده مشارکت و شرکت در اجتماعات را دارند؛ خصوصاً آن ها باید حق شرکت در بحث های عمومی در خصوص موضوعات مربوط به قانون اجرای عدالت و ترویج و حمایت از حقوق بشر و پیوستن به یا تشکیل سازمان های محلی یا بین المللی و حضور در جلسات را بدون تحمل زیان شغلی ناشی از عمل قانونی یا عضویتشان در یک سازمان قانونی را داشته باشد. در اعمال این حقوق وکلا باید همیشه مطابق با قانون و موازین و

اصول اخلاقی شناخته شده شغلشان رفتار کنند.

گفتار ششم) راهکارهای حمایت از حقوق بشر در معاضدت بین المللی در قلمرو کیفری

تجربه ثابت کرده است آیین های دادرسی داخلی (ملی) به خودی خود قابل استفاده در محاکم بین المللی نیستند و ضروری است که تلفیقی از قواعد و رویه های ناشی از سیستم های مختلف حقوقی انجام شود و یا حتی قواعد جدید و بدیعی وضع گردد. هدف در مرحله اول، قطعاً کارایی است. اما خیلی سریع معلوم می شود که اگر باید نظام دادرسی جدیدی ایجاد گردد، این امر فقط در هماهنگی با استانداردهای دادرسی منصفانه که مورد نظر حقوق بشر است، ممکن می باشد. در این تحول یک هماهنگی دیده می شود که به خصوص ناشی از همسویی قواعد و اهداف دادرسی ها در مقابل محاکم کیفری بین المللی است. مع ذلک، طولانی شدن دادرسی به سختی با عامل کارایی - که معمولاً از چنین محاکم خاصی انتظار می رود - سر سازگاری دارد. بی هیچ تردید باید توسعه مفاهیم و معیارهای حقوق

از نظر دولت های مترقی

و اندیشمندان تربیت

یافته آنان، این که منابع

حقوق و آزادی های اساسی

افراد به دو بخش ملی

و فراملی تقسیم شوند و هر

دو یکسان مورد مطالعه و

ارزیابی و استناد قرار گیرند،

امری کاملاً طبیعی و بی نیاز

از اندیشه و استدلال است.

بشرو آزادی های اساسی و بزرگداشت تدابیر و تضمین های آن را به ویژه در دعوی جزایی از آشکارترین نشانه های مدنیت هر جامعه به شمار آورد. تکریم مقام و تعظیم شأن و شخصیت انبای آدم در مراعات چنین مفاهیم و معیارها یا تدابیر و تضمین هایی نهفته است. تا آن جا که به اصول محاکمات جزایی مربوط می شود، توهم تعارض میان اصول حقوق بشر و الزامات برگرفته از سنت های ملی و باورهای مذهبی را باید از ذهن زدود. متون و منابع ملی و مذهبی هم اگر به درستی بازنگری شوند و در معرض تفسیرهای منطقی و تأویل های انسان دوستانه قرار گیرند، معلوم خواهد شد که هدفی جز آن چه اسناد حقوق بشر در صدد تأمین آن است، ندارند. نکته قابل ملاحظه این که امروزه دیگر به سختی می توان در تشخیص حقوق و آزادی های افراد به متون و منابع داخلی اکتفا کرد. بخش عمده ای از این حقوق و آزادی ها در اسناد بین المللی یا منطقه ای مطرح می شوند. از نظر دولت های مترقی و اندیشمندان تربیت یافته آنان، این که منابع حقوق و آزادی های اساسی افراد به دو بخش ملی و فراملی تقسیم شوند و هر دو یکسان مورد مطالعه و ارزیابی و استناد قرار گیرند، امری کاملاً طبیعی و بی نیاز از اندیشه و استدلال است. قوانین و رویه قضایی این دولت ها به ویژه در موارد مشاهده ی مغایرت میان مقررات ملی و مفاد متون و منابع فراملی، به سادگی مقررات ملی خود را به نفع الزامات فراملی نادیده می گیرند. اصل پنجاه و پنجم قانون اساسی فرانسه مصوب ۴ اکتبر ۱۹۵۸ اعتبار اسناد بین المللی و منطقه ای را برتر از قوانین و مقررات داخلی می شمارد. دیوان اروپایی حقوق بشر محاکم ملی را از اجرای مقررات داخلی مغایر با احکام عهدنامه های خارجی

باز داشته است. از نظر این دیوان، محاکم ملی مکلفند منافع افراد را که در نتیجه ی عدم توجه به یک قاعده قابل اجرای بین المللی یا منطقه ای به خطر افتاده، حفظ کنند. اثر مستقیم احکام مندرج در عهدنامه ها از اجرای هر گونه تصمیم داخلی مغایر، جلوگیری می کند. دکترین و رویه قضایی دولت های عضو جامعه اروپا از این راه حل استقبال و حمایت کرده اند. به عنوان جدیدترین سند بین المللی که در متن آن رعایت حقوق متهمان تضمین و مصادیق آن ذکر شده، می توان به اساسنامه دیوان کیفری بین المللی اشاره کرد که طبق ماده (۶) ۷ آن، این حقوق شامل رسیدگی مستقل، عادلانه و بی طرفانه به اتهاماتی وارده به افراد است. زمان کافی و مناسب در اختیار متهم برای مشاوره و تنظیم لایحه ی دفاعیه قرار داده می شود و متهم می تواند به میل خود، شخصاً و یا با کمک وکیل قانونی، از خود دفاع نماید. هم چنین بنابر این ماده، همان طور که دادستان حق دارد از شهود در دادگاه استفاده کند، متهم نیز از این حق برخوردار است. متهم رانمی توان با زور وادار به اقرار به جرم نمود. او حق دارد که سکوت اختیار کند و سکوتش دال بر مجرمیت و یا عدم مجرمیت او نیست.

فصل سوم) تحقیقات مقدماتی

در نظام حقوقی ایران

مبحث اول) نقش وکیل در تحقیقات مقدماتی بعد از احیای دادسرا (محدودیت ها و چالش ها)

در نظام دادرسی کیفری ایران مرحله مقدماتی، طبق سیستم تفتیشی انجام می شود؛ یعنی تحقیقات محرمانه، مکتوب و سری بوده و دخالت وکیل محدود و موکول به یک سری شرایط است ولی به محض این که پرونده مرحله مقدماتی را

بفشنامه ریاست ممتزم قوه قضاییه (نامه توفیقانه) درباره امتزام به آزادی های مشروع و مقوق شهروندی که در اواخر مجلس ششم به صورت قانون در آمد و به سرعت توسط شورای نگهبان تصویب شد دربند "۳" خود، مق استفاده از وکیل را برای متهمان در کلیه مراحل دادرسی به رسمیت شناخته و استثنای فوق در تبصره ذیل ماده (۱۲۸) ق.ا.ک، را نسخ کرده است

طی می کند و وارد مرحله محاکمه می شود، ضوابط سیستم و آیین دادرسی تغییر می کند؛ یعنی از سیستم تفتیشی در می آید و وارد سیستم اتهامی می شود، جلسه محاکمه علنی گشته و متهم می تواند تعدادی وکیل داشته باشد.

به عبارت دیگر شرکت وکیل مدافع در دادرسی های جزایی در مرحله تحقیقات مقدماتی اجباری نبوده و وکیل فعالیت دفاعی مهمی به عهده ندارد اما در مرحله دادرسی در بعضی موارد شرکت وکیل اجباری است و باید فعالیت دفاعی مهمی داشته باشد.

مردم حق دارند به هر نحوی که صلاح می دانند از خدمات وکیل در حدود مقرر در قانون استفاده نمایند، این حق در اصل (۳۵) قانون اساسی به نحو مطلق و در تمام مراحل به رسمیت شناخته شده است. مع الاسف این حق مسلم و تردید ناپذیر از طرف دستگاه قضایی و قوه مقننه (در مجلس پنجم) مورد تعرض و تخدیش قرار گرفت؛ چه آن که قوه مقننه با تصویب تبصره ذیل ماده (۱۲۸) قانون آیین دادرسی کیفری ورود وکیل به پرونده را منوط به تشخیص قاضی نموده است. در زمینه امر مهم دفاع، اصل (۳۵) قانون

اساسی می گوید: «در همه دادگاه ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر نوانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.» این اصل به ویژه با توجه به مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی «طلاق» دارد و با توجه به اصل تفسیر قانون به سود متهم جایی برای تأویل و تفسیرهایی که حق وکیل را برای متهم محدود کند، وجود ندارد.

و نیز ماده واحده «قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا» مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام ضرورت مداخله وکیل مدافع و تکلیف جامعه به تأمین آن در صورت عدم تمکین متهم را فقط در دادگاه ها و به هنگام رسیدگی ملحوظ داشته است و در ارتباط با لزوم مداخله وکیل در تحقیقات مقدماتی به سکوت کرده است.

در عین حال در ماده (۱۲۸) ق.ا.ک، آمده است: «متهم می تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید».

متأسفانه بر خلاف رسم و عرف قضایی و قانونی بعضی باز پرسان به ویژه در پرونده های خاصی با تفسیر خلاف اصل و عرف، کلمه «می تواند» در ابتدای ماده (۱۲۸) را چنین تعبیر می کنند که قاضی اختیار دارد به وکیل اجازه حضور در تحقیقات مقدماتی را بدهد یا ندهد و استثنائات امور محرمانه و جرایم علیه امنیت کشور و موجب فساد بودن در تبصره این ماده را که قاضی طبق آن می تواند بدون حضور وکیل تحقیقات را انجام دهد، تبدیل به قاعده و رویه کرده اند. هر چند استثنای یاد شده نیز بر خلاف

اطلاق اصل (۳۵) قانون اساسی است و نباید اجازه تضييع حقوق مجرمان نیز داده شود.

تشخيص فساد و محرمانه بودن و این که جرم امنیتي می باشد یا خیر، لاجرم با باز پرس است. به این ترتیب قاضی دادگاه به سهولت می تواند متهم را به ویژه به بهانه وجود فساد از داشتن وکیل مدافع محروم کند. این محرومیت مخصوصاً در جرایم مهم که اقتضای مجازات های سنگین از قبیل اعدام، صلب، رجم، قطع، حبس دایم و نظایر آن را دارند و تحقیقات مقدماتی سر نوشت ساز بوده و پایه و اساس پرونده های کیفری است، باهیچ منطقی سازگار نیست.

آیا این امر مخالف صریح قانون اساسی و مغایر حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر مذکور در اسناد سازمان ملل متحد نیست؟ بخشنامه ریاست محترم قوه قضاییه (داده توفیقانه) درباره احترام به آزادی های مشروع و حقوق شهروندی که در اواخر مجلس ششم به صورت قانون درآمد و به سرعت توسط شورای نگهبان تصویب شد در بند "۳" خود، حق استفاده از وکیل را برای متهمان در کلیه مراحل دادرسی به رسمیت شناخته و استثنای فوق در تبصره ذیل ماده (۱۲۸) ق.ا.ک، را نسخ کرده است (محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند).

با این حال در عمل، نقش وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در حقوق ایران بسیار محدود است؛ هر چند صرف حضور وکیل خود گاهی در جهت تحکیم حق دفاع متهم محسوب می شود. به علاوه در آیین دادرسی کیفری کنونی به فرض حضور وکیل و ارائه لایحه ای در پایان تحقیق برای باز پرس همیشه امکان ادامه تحقیقات و

استنطاق از متهم در جلسات آینده و بدون حضور وکیل مدافع، در مواردی که متهم در بازداشت به سر می برد - وجود دارد و این امر نقض حق دفاع متهم تلقی نمی گردد و نیز با عنایت به مقررات موجود آیین دادرسی کیفری مشاوره متهم با وکیل خود در جلسه باز پرس، در صورتی که این امر از دیدگاه باز پرس یا دادیار تحقیق دخالت در امر تحقیق تلقی گردد، مجاز نیست.

در نظام کیفری ما، به علت این که نظام قرن نوزدهم فرانسه الگوی اختیارات باز پرس بوده؛ متأسفانه وکیل مدافع به دور از پرونده کیفری باقی می ماند و عدم اطلاع وی از محتویات پرونده امکان دفاع از موکل را از وی سلب می کند. ممنوعیت مشاوره متهم با وکیل خود در جلسه تحقیق - لاقلاً به گونه ای که در عمل معمول است - با فلسفه حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی مغایرت دارد و عدم حضور متهم در جلسات استماع شهادت شهود، معاینه محل و غیره امکان دفاع مؤثر را از بین می برد.

یادآور می شویم که متأسفانه قانون گذار ضمانت اجرایی برای موارد ممانعت دادرسی از حضور وکیل مدافع در جلسات تحقیق از متهم منظور نکرده است. نظر به این که چنین ممانعتی بدون تردید، از موجبات اضرار به حق دفاع متهم محسوب و مغایر با اصل برائت است ضرورت مداخله قانون گذار، فراسوی مجازات های انتظامی موجود، هر چه بیشتر احساس می شود. نگرشی هر چند کوتاه به قوانین کشورهای دیگر در این زمینه، راهی را که در این کشورها به تدریج در زمینه گسترش حقوق وکلای مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی طی شده، بر ما مشخص می کند. قبلاً اشاره کردیم که به موجب بند "۳" ماده واحده قانون احترام به آزادی های

مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب اردیبهشت ۱۳۸۳ اصل الزامی بودن حضور وکیل در کلیه مراحل دادرسی و دادگاه ها و حتی تحقیقات مقدماتی پذیرفته شده؛ لذا ماده (۱۲۸) قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره ذیل آن که حضور وکیل را منوط به تشخیص قاضی نموده بود نسخ ضمنی گردیده، اما در عمل قضات دادرسی تن به این الزام قانونی نداده، همچنان بر روال سابق حکم می رانند؛ لذا با این اوصاف قوه قضاییه نمی تواند مدعی دادرسی عادلانه گردد.

مبحث دوم) نتیجه و پیشنهاد

قانون گذار در هر کشوری با عنایت به میزان پای بندی و کلا به وظایف حرفه ای، برداشت عموم مردم از مفهوم عدالت، تجهیز سازمان قضایی و کانون و کلا و غیره مقررات خاصی را ملحوظ داشته تا ضمن تأمین حق دفاع متهم و رعایت اصل برائت بر حسن جریان امور کیفری نیز لطمه ای وارد نگردد.

در جهان امروزی با پیشرفت هایی که در اصول دادرسی های کیفری به وجود آمده است به متهمان اجازه داده می شود تا در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز از حضور وکیل مدافع بهره مند شوند. در بسیاری از کشورهای جهان حتی هنگام تفهیم اتهام، حق داشتن وکیل نیز به وی تفهیم و تذکر داده می شود که حق دارد تا حضور وکیل مدافع خود از پاسخ به پرسش ها امتناع ورزد.

نظام قضایی در ایران اگر چه مبتنی بر اصول شریعت و فقه اسلامی و به اصطلاح برخی از اساتید نظامی از نوع فقهاتی است، مع ذلک نمی تواند از تجربیات جهانی و استانداردهای بین المللی خود را مصون و مبرا بداند؛ به ویژه این که اصول حاکمیت قانون که عمده توجه و هدف آن در نظام های بشری بر قانون مداری و

اجرای قوانین استوار است، جایگاه ویژه ای را برای دستگاه قضایی قائل است و اصولاً نمی توان از جامعه مدنی و قانون مداری سخن راند اما تقویت قوه قضاییه و کار آیی آن و استقلال این قوه را نادیده گرفت.

لذا در پایان این مقاله مؤلفه هایی چند از یک نظام دادرسی بین المللی استاندارد ذکر می گردد، باشد که مورد عنایت تدوین کنندگان قوانین کیفری واقع شود:

۱- حمایت از حقوق بشر باید در کلیه مراحل دادرسی کیفری تضمین و تأمین شود.

۲- متهم باید از اصل برائت در طول رسیدگی به امر کیفری تا وقتی که حکم صادره اعتبار امر مختومه پیدا می کند، استفاده نماید.

۳- در مرحله تحقیقات مقدماتی یعنی قبل از مرحله دادرسی و صدور حکم، برحسب ضرورت های ناشی از اصل برائت، در تصمیماتی که اجبار و الزام متهم را به دنبال دارد، باید اصل تناسب که: یک رابطه منطقی است بین اهمیت امری که متهم به آن مجبور می شود و با حقوق و آزادی های او معارض است از یک سو و هدف نهایی تحمیل چنین امری از سوی دیگر» رعایت شود. به همین لحاظ قانون گذار باید پیامدهای بازداشت موقت را که به هر حال یک اقدام کاملاً استثنایی محسوب می شود، پیش بینی نماید.

۴- در مرحله دادگاه بنا بر اصل برائت، بی طرفی قاضی نسبت به طرفین دعوا باید تضمین شود. نتیجه آن این است که در دعوی کیفری امر تعقیب باید از دادرسی و قضاوت جدا باشد و هیچگاه قاضی محکمه به اقدامات مربوط به تحقیقات مقدماتی نپردازد.

۵- به دلیل اهمیت اصل برائت است که باید قاضی مستدلاً با توجه به عوامل ویژه بازداشت موقت نسبت به تصمیم بگیرد.

حق دفاع در کلیه مراحل دادرسی کیفری باید تضمین شود و هیچ کس مجبور نیست مستقیماً یا به طور غیرمستقیم به محکومیت کیفری فوید کمک کند.

نگه داشتن متهم در بازداشت موقت بدون وجود قرائن کافی مطلقاً ممنوع است و اگر مدت آن از حداقل مجازات عمل ارتكابی فراتر رود، غیر قانونی است.

۶- هر تصمیمی که توسط مقام صلاحیت دار اتخاذ می شود، حتی اقدامات مأمورین پلیس که با حقوق اساسی فرد ارتباط دارد، باید مورد تأیید قاضی و با نظارت او باشد.

۷- کلیه دلایلی که با نقض حقوق اساسی افراد تحصیل شده باشد، باطل و بلا اثر است و نمی تواند به هنگام دادرسی مورد ارزشیابی قرار گیرد.

۸- در تحصیل دلایل استفاده از وسایلی که مربوط به روابط خصوصی افراد می شود؛ مثل استماع مکالمات تلفنی وقتی پذیرفته است که قانون گذار صراحتاً اجازه داده باشد و قاضی در مورد استفاده از آن قبلاً تصمیم گرفته باشد. در مورد نمونه برداری ژنتیک و شنود الکترونیکی از راه دور نیز قانون گذار باید شرایط پذیرش آن را دقیقاً تعیین کرده باشد.

۹- اختصاص دادن مزایا و اولویت هایی به شهود یا مأموران مخفی در امر کیفری که

بعضی دولت ها به آن عمل می کنند، فقط در بعضی پرونده های مربوط به جرایم سازمان یافته ارزش دارد. مع هذا اگر هدایت این اشخاص در جلسه، مشخص نباشد، گزارش ها یا اظهارات آن ها هیچ گونه ارزشی در اتخاذ تصمیماتی که اجبار و الزامی علیه متهم تحمیل می نماید، ندارد.

۱۰- در تحصیل دلایل باید اسرار حرفه ای کاملاً حفظ شود.

۱۱- انتشار بحث و گفتگوهای جلسه دادرسی توسط رادیو و تلویزیون می تواند محدود و یا ممنوع باشد.

۱۲- حق دفاع در کلیه مراحل دادرسی کیفری باید تضمین شود و هیچ کس مجبور نیست مستقیماً یا به طور غیرمستقیم به محکومیت کیفری خود کمک کند.

۱۳- متهم حق دارد از مضمون اتهام خود از اولین تحقیقات مأمورین پلیس یا مرجع قضایی مطلع شود و در مقابل سؤال سکوت اختیار کند و سکوت او نباید علیه او دلیل محسوب شود.

۱۴- قوه قضاییه باید از ابتدای تشکیل پرونده برای هر فرد متهم یا محکوم علیه حق داشتن مشاور حقوقی را تضمین نماید. این مشاور در صورتی که متهم قدرت مالی نداشته باشد، رایگان است و مخارج آن به عهده دولت خواهد بود.

۱۵- متهم زندانی حق ارتباط با وکیل مدافع خود را به طور خصوصی دارد و وکیل او باید حق داشته باشد که در هر بازجویی از موکل خود، حضور یابد.

۱۶- وکیل مدافع باید بتواند به مدارک پرونده از اولین لحظه اتهام مراجعه نماید و قضات دادسرا متعذر به عذر قانونی عناوینی کلی و مبهم چون امنیت کشور، فساد، جنبه محرمانه و... که برداشت های سلیقه ای گوناگونی را موجب می شوند در

مرحله تحقیقات مقدماتی نشوند.

۱۷- هر فردی که معتقد است به حقوق اساسی او در اثنای دادرسی زیان وارد شده، باید این امکان را داشته باشد که آن اقدامات را توسط دادگاه حقوق اساسی یا توسط دادگاه عالی یا دیوان بین‌المللی حقوق بشر کنترل نماید.

ضمیمه:

۱- ماده (۶) از اساسنامه دیوان بین المللی کیفری:

حقوق متهم

برای احراز هر اتهامی، متهم این حق را دارد که با رعایت مقررات این اساسنامه به صورت علنی و منصفانه و بی طرفانه و با رعایت حداقل تضمینات زیر در مساوات کامل، محاکمه شود:

به زبانی که متهم کاملاً درک کرده و با آن صحبت می کند فوراً و دقیقاً از ماهیت و سبب و محتوای اتهام مطلع شود، وقت کافی و امکانات لازم به او داده شود تا دفاع خود را تدارک کند و آزادانه و محرمانه و با وکیل مدافعی که خود انتخاب می کند، ارتباط داشته باشد و بدون تأخیر ناموجه محاکمه شود.

با رعایت بند "۲" ماده (۶۳) و به منظور انجام امر دفاع شخصاً و یا از طریق مشاور حقوقی انتخابی خود در محاکمه حضور یابد و مطلع شود که اگر از مشاوره حقوقی بهره مند نیست، حق دارد از مساعدت مشاور حقوقی که دیوان در صورت ضرورت و در راستای اجرای عدالت فراهم می کند، بهره مند شود؛ حتی اگر توان مالی برای پرداخت هزینه های مربوطه را نداشته باشد.

از شهودی که علیه وی معرفی شده اند رأساً یا توسط دیگری سؤالاتی بنماید و مطابق همان شرایطی که شهود علیه وی داشته اند، شهود خود را در جلسه حاضر کرده و از آن ها سؤال کند.

اگر رسیدگی دیوان و یا مدارکی که در محاکمه ارائه می شود به زبان دیگری غیر از زبانی است که متهم کاملاً درک کرده و صحبت می کند، وی می تواند به صورت رایگان از مساعدت مترجم کار آمد و هم چنین ترجمه هایی که در یک محاکمه منصفانه لازم است، بهره مند شود.

متهم مجبور به ادای شهادت و یا اعتراف به مجرمیت نیست و می تواند سکوت اختیار کند بدون این که سکوت وی به منزله اعتراف و یا انکار تلقی شود.

متهم می تواند لایحه ای کتبی و بیانیه ای شفاهی بدون این که سوگند یاد کند، ارائه دهد. هیچ گونه تکلیف متقابلی در جهت اثبات ادله و یا تکلیف در رد آن ها بر متهم تحمیل نمی شود. علاوه بر موارد دیگری که در این اساسنامه راجع به ارائه مستندات به متهم مقرر شده، دادستان باید به محض آن که امکان پذیر شد، مستنداتی را که در اختیار و یا تحت کنترل خود داشته و معتقد است که مبین بی گناهی متهم است و یا مجرمیت وی را تخفیف می دهد و یا بر اعتبار مستندات بازجویی تأثیر می گذارد، به متهم ارائه دهد. در صورت تردید در شمول یا عدم شمول این بند، اتخاذ تصمیم با دیوان خواهد بود.

پی نوشت ها:

۱- ضربایی، غلامرضا، آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، کتابخانه گنج دانش.

۲- رفیع زنگنه، جهان بخش، رأی دیوان کشور ایالات متحده در مورد اعتراف و حق داشتن وکیل در مرحله بازجویی، مجله کانون وکلا.

۳- انصاری، ولی الله، حقوق تحقیقات جنایی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه ملی، ۱۳۷۵.

۴- ناصرزاده، هوشنگ، اعلامیه های حقوق بشر تهران، انتشارات ماجد.

۵- سوین، لیا، پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر، ترجمه پوینده محمد جعفر، تهران انتشارات قطره، ۱۳۸۱.

۶- آشوری، دکتر محمد، مقاله بحثی پیرامون توقیف احتیاطی و مقاله قانون آیین دادرسی کیفری.

۷- ناصرزاده، هوشنگ، اعلامیه های حقوق بشر نشر جهاندانشگاهی.

۸- مجله قضایی و حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۸۱.

۹- ناصرزاده، هوشنگ، مقاله حبس و توقیف قانونی.

۱۰- نهج الفصاحه، تألیف جواد فاضل.

۱۱- علوی، دکتر رضا، روش اداره زندان ها.

۱۲- ناصرزاده، هوشنگ، مجموعه قوانین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران.

۱۳- مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، ضمیمه روزنامه رسمی شماره ۱۲۹۵۹.

۱۴- کانت، فلسفه حقوق، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی (بفیلخیص).

۱۵- مهرپور، حسین، حقوق بشر.

۱۶- گزارش گالیندوبل به مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۳.

۱۷- آقای، فرهنگ حقوق بشر.

۱۸- مجموعه نشست های قضایی، مسایل آیین دادرسی کیفری، انتشارات معاونت آموزش دادگستری ۱۳۸۲.

۱۹- آسیب شناسی قوانین آیین دادرسی کیفری، معاونت آموزش دادگستری، تهران ۱۳۸۲.

۲۰- آشوری، دکتر محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.

۲۱- شریفی، محسن، ژرف نگری پیرامون مکانیسم های تضمین کننده حقوق و آزادی های متهم در حقوق ایران با اهتمام به اعلامیه های حقوق بشر، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۰.

۲۲- قطعنامه های سازمان ملل در خصوص نقش دادستان ها و نقش وکلا، شماره مسلسل ۶۸۵۸ کد موضوعی ۱۴۰، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

۲۳- آخوندی، دکتر محمود، حق بهره مندی از محاکمه عادلانه مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۷۸.

۲۴- امید، دکتر جلیل، حقوق بشر در دعاوی کیفری بر اساس اسناد بین المللی و منطقه ای، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

۲۵- آشوری، دکتر محمد، اصل برائت و آثار آن در امور کیفری (مطالعه تطبیقی)، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۷۱.

۲۶- آخوندی، دکتر محمود، بررسی قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری به لحاظ پیشبرد اهداف حقوق بشر، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۷۹.